



اقدامات دولت ایران پیرامون کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی مصوب ۱۹۴۸



حجت‌الاسلام والمسلمین رضا رشیدی، دادیار دادرسی نظامی استان تهران

چکیده

شکنجه ابزاری است که در گذشته برای اخذ اقرار یا ادای شهادت به کار برده می‌شد و بعداً با تصویب کنوانسیون منع شکنجه در سال ۱۹۴۸ این عمل جرم شناخته شده و در سایر اسناد بین‌المللی نیز با این عمل مخالفت شد؛ اخیراً برخی با استناد به این اسناد به ویژه کنوانسیون منع شکنجه، تحمیل هرگونه رنج و عذابی را در قالب مجازات و حتی با فقدان عنصر معنوی یعنی داشتن انگیزه اخذ اقرار، شکنجه می‌دانند و ایادی این امر را به نقض حقوق بشر متهم و محکوم می‌کنند؛ اما بر اساس تعریف شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و سایر اسناد بین‌المللی، تنها بر درد و رنج‌های جسمی و روحی که با انگیزه اخذ اقرار یا ادای شهادت توسط مأمورین رسمی بر اشخاص متهم تحمیل می‌شود، شکنجه اطلاق می‌گردد و نمی‌توان مجازات‌های قانونی را که با هدف جلوگیری از تکرار جرم و برای مقابله با عمل مجرمانه انجام می‌شود، شکنجه تلقی کرد. یکی از دلایل عدم الحاق دولت ایران به کنوانسیون منع شکنجه همین موضوع است و دلیل دیگر نیز ناظر به افزایش هزینه‌های عمومی است که از طرف شورای نگهبان مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد. واژگان کلیدی: کنوانسیون منع شکنجه، اصل ۳۶ قانون اساسی، عدم الحاق دولت ایران، اخذ اقرار، ادای شهادت



درآمد

قاعده منع شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی مصوب ۱۹۴۸ و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به اسناد زیر اشاره کرد:

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس نباید مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد».

ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس رانمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتاری‌های ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است».

ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هیچ کس نباید شکنجه شده یا در معرض رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد».

اگرچه دولت ایران به کنوانسیون منع شکنجه ملحق نشده است، لکن ممنوعیت شکنجه جهت اخذ اقرار به صراحت در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است و در قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) نیز این رفتار (شکنجه و اذیت و آزار روحی جهت اخذ اقرار) جرم انگاری شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است؛ اما باید توجه داشت که آنچه در اسناد بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، شکنجه به معنای دقیق کلمه است و نباید با سایر مجازات‌های قانونی خلط گردد.

ما در این نوشتار بنا داریم که با روش

توصیفی-تحلیلی، ماهیت شکنجه را در کنوانسیون منع شکنجه مورد بررسی قرار داده و در پرتو این کنوانسیون و همچنین با توجه به فقدان عنصر معنوی جرم شکنجه، مجازات‌های قانونی از قبیل اعدام، قصاص، حبس و غیره را توجیه نموده و از تحت شمول این کنوانسیون خارج کنیم. در آخر نیز به دلایل عدم الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه اشاره می‌گردد.

۱- ساختار کنوانسیون

این کنوانسیون دارای ۳۳ ماده است که در ۴ بخش تنظیم شده است:

۱. ماده ۱ کنوانسیون: این ماده به تعریف شکنجه پرداخته است.

۲. مواد ۲ الی ۱۶ کنوانسیون: این مواد عمدتاً به تعهداتی که دولت‌های عضو در قبال کنوانسیون دارند، پرداخته شده و مهم‌ترین تعهدات دولت بدین شرح مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ تعهد به جلوگیری از اعمال شکنجه در قلمرو تحت صلاحیتشان از طریق اقدامات مؤثر تقنینی، اداری و قضایی تحت هر شرایطی (بند ۱ ماده ۲)، عدم اخراج، بازگرداندن یا استرداد افراد در معرض خطر شکنجه شدن (بند ۱ ماده ۳)، جرم انگاری عمل شکنجه و شرکت یا معاونت در آن و وضع مجازات‌های مناسب برای این جرم (ماده ۴)، اقدامات ضروری و لازم جهت برقراری صلاحیت در تشخیص جرایم مذکور در ماده ۴ و سایر اقدامات قضایی مرتبط با موضوع در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی و بازداشت متهمین و استرداد مجرمین به شرح مقرر در مواد ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، آموزش ممنوعیت شکنجه به مستخدمین کشوری یا لشگری و مأموران اجرای قوانین، کارمندان امور پزشکی، مأموران دولتی و سایر اشخاص دخیل در امر محافظت، بازجویی و تماس

با افراد بازداشتی یا زندانی (ماده ۱۰)، نظارت منظم بر مقررات، دستورالعمل‌ها، روش‌ها و رویه‌های متداول در امر بازجویی و تحت نظر داشتن و رفتار با اشخاص دستگیر شده، بازداشتی یا زندانی به منظور پیشگیری از شکنجه (ماده ۱۱)، انجام تحقیقات بی‌طرفانه و سریع در موارد وجود دلایل معقول مبنی بر ارتکاب اعمال شکنجه (ماده ۱۲)، شناسایی حق شکایت شکنجه دیدگان و رسیدگی بی‌طرفانه و سریع و اتخاذ اقدامات حمایتی برای شاکی و شهود (ماده ۱۳)، تضمین حق مطالبه جبران خسارت و دریافت غرامت عادلانه و مناسب و برخورداری از سازوکار لازم برای بار توانی شکنجه شده در نظام حقوقی (ماده ۱۴)، بی‌اعتباری داده‌های حاصله (از جمله اقرارها) در اثر شکنجه (ماده ۱۵)، جلوگیری از هر نوع اعمال مجازات یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۱۶).

۳. مواد ۱۷ الی ۲۴ کنوانسیون: بخش سوم مقررات کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) که شامل مواد ۱۷ تا ۲۴ می‌گردد شامل مقرراتی درباره تأسیس، ترکیب، نحوه انتخاب اعضاء و وظایف و عملکرد و نحوه فعالیت و ارتباط اعضاء با سازوکار اجرایی و نظارتی کنوانسیون حاضر است.

بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون، کمیته‌ای به نام کمیته ضد شکنجه تدابیر اجرایی مربوط به اجرای مقررات کنوانسیون را بر عهده دارد. کمیته مزبور مرکب از ده کارشناس عالی‌رتبه برخوردار از سطح بالای اخلاقی و شایستگی در زمینه حقوق بشرند که با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه نموده و با رأی مخفی دولت‌های عضو برای دوره‌ای چهارساله انتخاب می‌شوند (بندهای ۲ و ۷ ماده ۱۷).



مهم‌ترین وظایف کمیته، بررسی گزارش ادواری دولت‌های عضو (ماده ۱۹)، بررسی اطلاعات واصله درباره وجود شکنجه (مطابق ماده ۲۰)، بررسی شکایت یک دولت عضو علیه دولت دیگر مبنی بر عدم مراعات مقررات کنوانسیون (ماده ۲۱) و رسیدگی به شکایات افراد علیه دولت عضو (ماده ۲۲) است. اعضای کمیته از تسهیلات، امتیازات و مصونیت‌های مقرر برای کارشناسان در حال خدمت سازمان ملل بهره‌مند خواهند شد (ماده ۲۳) و کمیته درباره فعالیت‌هایش گزارش سالانه‌ای تهیه و به دولت‌های عضو و مجمع عمومی سازمان ملل ارائه می‌نماید (ماده ۲۴).

۴. مواد ۲۵ الی ۳۳ کنوانسیون: در بخش آخر که شامل مواد ۲۵ تا ۳۳ کنوانسیون می‌گردد، مقررات کلی ناظر به کنوانسیون حاضر در خصوص امضاء، الحاق، نحوه و زمان لازم‌الاجرا شدن، حق شرط، نحوه حل اختلاف در تفسیر و اجرای کنوانسیون و... مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب، در مواد ۲۵ و ۲۶ آمده؛ کنوانسیون حاضر برای امضاء و الحاق تمامی دولت‌ها مفتوح است. ماده ۲۷ نیز مقرر نموده، کنوانسیون سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل قدرت اجرایی پیدا می‌کند. ماده ۲۸ مقرر کرده؛ هر دولتی در زمان امضاء یا تصویب یا الحاق به کنوانسیون می‌تواند اعلام نماید که صلاحیت کمیته را به رسمیت نمی‌شناسد. پیشنهاد اصلاح کنوانسیون حاضر توسط دولت عضو نیز مطابق شرایط مقرر در ماده ۲۹ بررسی می‌شود. هرگاه اختلاف میان دو یا چند کشور عضو کنوانسیون درباره تفسیر یا اجرای سند حاضر ایجاد شود و موضوع از طریق گفتگو حل نشده باشد، بنابه تقاضای یکی

از آنها به داوری ارجاع خواهد شد و اگر ظرف شش ماه از تاریخ تقاضای داوری در خصوص سازمان داوری به توافق نرسند، هر کشور ذی‌نفع می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد (ماده ۳۰).

ماده ۳۱ خروج از کنوانسیون را طی اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل شناسایی نموده و ماده ۳۳ هم متون کنوانسیون به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی را دارای اعتبار واحد دانسته است.

۲- ماهیت شکنجه

ابتدا با توجه به تعریفی که در کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۴۸ و سایر اسناد بین‌المللی ارائه شده است، ماهیت شکنجه را مورد بررسی قرار داده و بر این اساس، بررسی می‌گردد؛ آیا مجازات‌های قانونی مشمول عنوان شکنجه قرار می‌گیرند یا خیر؟

در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، منظور از رفتار ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری مشخص نشده است و این عبارت تاب تحمل تفاسیر و برداشت‌های مختلفی را دارد.

شکنجه در لغت به معنای آزار و اذیت، اعمال رنج و عذاب و امثال آن است (دهخدا، ۱۳۴۹، ج ۲۷: ۵۲۰) و در اصطلاح بر اعمال غیرمعارفی اطلاق می‌شود که جهت اخذ اقرار یا ادای شهادت بر کسی تحمیل می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۳۰۱) دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعریف در خصوص شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۴ آمده است که بیان می‌دارد:

«واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی

یا روحی به شخص وارد آورد خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب است تنبیه گردد یا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد منوط بر اینکه چنین درد و رنج‌هایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگر که در سمت رسمی مأمور بوده است یا به ترغیب یا با رضای صریح یا ضمنی او تحمیل شده باشد. این واژه درد و رنج‌هایی را که منحصراً از اجرای مجازات‌های قانونی حاصل می‌شود و ذاتی و مسبب چنین مجازات‌هایی است در برنمی‌گیرد».

همان طوری که ملاحظه می‌شود در این تعریف اولاً شکنجه همان‌گونه که می‌تواند رفتار متضمن درد و رنج جسمانی را شامل شود، رفتار متضمن فشارهای روحی را هم شامل می‌شود؛ ثانیاً اعمال ضمانت اجراهای بین‌المللی مربوط به مواردی است که مرتکب شکنجه خود مأمور رسمی دولت باشد و یا به دستور و یا ترغیب و رضایت وی این رفتار ارتکاب یابد؛ البته در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که شکنجه را در زمره جرایم علیه بشریت و در مواردی جنایات جنگی قرار داده است شکنجه به صورتی مطلق و بدون هرگونه قیدی تعریف شده است. بر اساس این تعریف شکنجه به معنای تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخص در حال توقیف یا تحت کنترل متهم به شکنجه است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این تعریف قید انگیزه اخذ اقرار و امثال آن مطرح نشده است کما اینکه قید مأمور رسمی و دولتی بودن



شکنجه‌گر نیز در این تعریف نیامده و در نتیجه ارتکاب جرم شکنجه اعم از اینکه از سوی شخص دولتی صورت گیرد یا هر شخص حقیقی دیگر مشمول تعریف مذکور در اساسنامه دیوان خواهد بود (شمس ناتری، ۱۳۸۴: ۶۹).

نکته دیگری که در خصوص ماهیت شکنجه مطرح می‌باشد این است که آیا در اسناد فوق‌الذکر شکنجه شامل مجازات‌های شدید و بدنی می‌شود که در قوانین کیفری پیش‌بینی شده‌اند یا خیر؟ در اسناد بین‌المللی در این مورد پیش‌بینی‌های مختلفی ارائه شده است در حالی که در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص شمول شکنجه نسبت به مجازات‌های بدنی و امثال آن هیچ تصریحی نشده است بلکه از ماده ۷ آن عدم شمول استفاده می‌شود. بر اساس برخی اسناد، مجازات‌های شدید مشمول عنوان شکنجه نمی‌شوند.

برای نمونه عنوان اعلامیه سازمان ملل متحد در خصوص حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و موهن، مصوب نهم دسامبر ۱۹۷۵ به روشنی گویای شمول شکنجه نسبت به این گونه مجازات است؛ علاوه بر اینکه بند «ب» ماده ۱ این اعلامیه نیز مقرر می‌دارد: «شکنجه عبارت است از نوع تشدید شده و عمدی رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و موهن» که این خود گویای شمول تعریف شکنجه نسبت به مجازات قانونی بدنی و شدید است. در عین حال مطابق ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه مصوب دهم دسامبر ۱۹۸۴ «درد و رنج‌هایی که از مجازات‌های قانونی ناشی شده یا ملازم با مجازات‌های قانونی باشد حتی اگر این درد و رنج شدید هم باشد مشمول شکنجه نمی‌شود»؛ در نتیجه

شکنجه شامل مجازات‌های شدید نخواهد شد. این در حالی است که در بخش میانی همین ماده تحمیل درد و رنج به منظور مجازات کردن شخص به خاطر عملی که وی مرتکب شده است مشمول شکنجه تلقی شده است (شمس ناتری، ۱۳۸۴: ۷۱).

همان‌گونه که از این تعریف برمی‌آید، شکنجه هم شامل اعمالی است که قبل از صدور حکم برای اخذ اقرار از متهم به کار گرفته می‌شود و هم اعمالی که بعد از صدور حکم به عنوان مجازات اعمال می‌گردد. گرچه ذیل ماده گفته است این تعریف شامل درد یا صدمه‌ای نیست که صرفاً ناشی از درد یا صدمه ذاتی ضمانت اجراهای قانونی یا منتج از آنها می‌باشد؛ زیرا در ماده ۱۶ کنوانسیون به طور صریح آمده است که «هر دولت عضو، متعهد است که در قلمرو قضایی خود اعمال وحشیانه، غیرانسانی و رفتارهای تحقیرکننده و مجازات‌هایی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این کنوانسیون نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام می‌گیرد، جلوگیری به عمل آورد». ملاحظه می‌گردد که در این ماده به طور صریح از مجازات نام برده و مشخص است که منظور از مجازات تأدیب یا عقوبتی است که به موجب قانون وضع می‌شود و به موجب حکم محکمه به اجرا گذاشته می‌شود (اسدی نیا، ترحم، ۱۳۸۴: ۴).

حال نظر به اینکه کنوانسیون مذکور در راستای اعلامیه حمایت از تمامی افراد در مقابل شکنجه در نهم دسامبر ۱۹۷۵ تنظیم و تصویب شده و در ماده ۲ این اعلامیه شکنجه و مجازات ظالمانه در یک راستا محکوم شده‌اند و با توجه به اینکه در

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مجازاتی که ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن می‌نماید در ردیف شکنجه قرار داده شده و در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی یا ترذیلی در ردیف شکنجه تلقی شده‌اند. ماده ۱ کنوانسیون فوق‌الذکر مبنی بر شکنجه محسوب نشده، درد و رنج‌های ناشی از مجازات قانونی یا ملازم آن، حمل بر درد و رنج ناشی از مجازات‌هایی است که با استانداردهای مذکور در مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد، درباره حداقل رفتار با زندانیان منطبق باشد. دلیل این امر ذیل بند «الف» ماده ۱ اعلامیه حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه سازمان ملل ۱۹۷۵ می‌باشد که صریحاً مقرر می‌دارد: «این (تعریف شکنجه) شامل درد و رنجی که فقط متناسب با مجازات قانونی یا نتیجه حاصل از آن مجازات تا حدی که منطبق با اصول استاندارد رفتار با زندانیان باشد نمی‌شود».

بنابراین در اسناد بین‌المللی، شکنجه علاوه بر رفتارهای غیرانسانی خاص جهت اخذ اقرار و شهادت شامل مجازات‌های شدید و به اصطلاح غیرانسانی و بدنی نیز می‌شود. علاوه بر اسناد بین‌المللی پیش‌گفته اسناد منطقه متعلق به اروپا و آمریکا نیز مجازات‌های شدید را در راستای شکنجه مورد توجه قرار داده‌اند و احکام مربوط به شکنجه را شامل آن کرده‌اند. برای نمونه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰ مقرر شده است: «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات‌های غیرانسانی یا ترذیلی قرار گیرد». کما اینکه در ماده ۳ معاهده اروپایی منع شکنجه^(۱) نیز بر این مطلب تأکید شده است.



شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس محکوم خواهد شد و اگر متهم در اثر اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت» (شفیعی نیا، ۱۳۸۸: ۹۹).

۳-۲-۲- رکن مادی

رفتار مجرمانه فقط مستلزم آن نیست که قانون آن را نهی کرده باشد بلکه عینیت یافتن عمل فاعل برای تحقق فعل مجرمانه لازم است.

برای تحقق رکن مادی جرم شکنجه موارد زیر باید مورد بررسی قرار گیرد:

۱. فعل مادی مثبت جرم شکنجه؛ فعل باید مادی باشد یعنی عملی که عرفاً و در عالم ماده قادر باشد درد یا رنج شدید جسمی و روحی ایجاد کند مانند زدن، سوزانیدن و امثال آنها. تأثر و تألمات روحی اگر ثابت شود که نتیجه فعلی باشد که از شکنجه‌گر صادر گردیده است شکنجه روحی به شمار می‌رود هرچند منشأ آن صدمات بدنی نباشد (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۲).

۲. رابطه علیت میان فعل مادی و نتیجه مجرمانه؛

۳. شخصیت مرتکب در جرم شکنجه؛ باید ارتکاب عمل مادی به صورت اذیت و آزار متهم از ناحیه مأموران دولتی و صاحبان مقام رسمی در حال انجام وظیفه دولتی یا به مناسبت آن باشد و در واقع عمل مادی مرتکب به علت سوءاستفاده از مقام یا شغل دولتی صورت گرفته باشد در غیر این صورت عمل کارمند از شمول حکم ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی که ضمانت اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی است خارج خواهد بود. تقریباً همه حقوقدانان در مورد شرط مستخدم دولت یا مأمور دولت

ولی شکنجه شامل درد یا رنجی که صرفاً ناشی از مجازات قانونی یا ذاتی یا لازمه آن است نمی‌شود». در ماده تفاوتی میان مجازات شدید و غیر شدید قائل نشده و اطلاق مجازات قانونی شامل تمامی اشکال آن می‌گردد.

۳-۱-۳- ارکان جرم شکنجه

با بررسی ارکان و عناصر جرم شکنجه در این قسمت، می‌توان به این نکته پی برد که مجازات‌های قانونی به علت فقدان عنصر مادی و معنوی، از تحت شمول این جرم خارج بوده و نمی‌توان عنوان شکنجه را بر آنها اطلاق کرد.

۳-۱-۳- رکن قانونی

علی‌الاصول مراجع قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از ضوابط و قواعد شریعت اسلام پیروی می‌کنند و احترام به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌های مندرج در قانون اساسی (اصول ۲۲ و ۴۲ و ۱۶۲ و ۱۶۹) و قوانین عادی (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) را اساس سیاست کیفری خود قرار داده‌اند (شفیعی نیا، ۱۳۸۸: ۹۷).

اصل ۳۸ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد اعتبار و ارزش است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر رکن قانونی بزه اذیت و آزار و شکنجه را تشکیل می‌دهد در این زمینه مقرر می‌دارد:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از

در ماده ۲ کنوانسیون آمریکایی جلوگیری و مجازات شکنجه^(۳) مصوب ۱۹۸۵ نیز شکنجه صریحاً شامل اعمال درد و رنج شدید جسمی یا روحی به منظور بازجویی یا مجازات تلقی شده است و با اینکه در انتهای ماده شکنجه را شامل درد و رنج ناشی از اقدامات قانونی که نتیجه انحصاری یا ذاتی این اقدامات باشد ندانسته است که در عین حال عدم شمول شکنجه را مشروط به آن دانسته که اقدامات قانونی مذکور شامل اجرای اعمال و روش‌های خشن نباشد. ملاحظه می‌شود که در تمامی اسناد فوق‌الذکر اعم از بین‌المللی و منطقه‌ای مجازات‌های شدید و غیرانسانی که در قوانین کیفری پیش‌بینی شده‌اند، مشمول تعریف شکنجه می‌شوند. در صورت شمول فوق‌الذکر ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در اسناد الزام‌آور مثل کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ نه تنها شامل تحمیل درد و رنج جسمانی و روحی خودسرانه واقع شده از سوی مأموران می‌شود بلکه مجازات‌های قانونی را که با استانداردهای حقوق بشری مطابقت نداشته باشد نیز در برمی‌گیرد و شاید به همین دلیل است که بسیاری از کشورها تاکنون به کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ ملحق نشده‌اند؛ چراکه در صورت الحاق امکان تضمین ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در کنوانسیون نسبت به آنها وجود دارد.

به رغم مطالب پیش‌گفته، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، صریحاً شکنجه را از شمول مجازات‌های قانونی به طور مطلق خارج کرده است. این اساسنامه در بند پنجم از پاراگراف دوم ماده ۷ مقرر داشته است: «شکنجه یعنی تحمیل درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل متهم است

بودن مرتکب اتفاق نظر دارند؛ یعنی ایذاء و آزاری که کارگزاران دولتی به مناسبت شغل و وظیفه رسمی مرتکب شده‌اند منوط به این شرط است که اولاً، کسی که به شکنجه دیگری پرداخته است صاحب مقام رسمی یا کارمند دولت باشد هر چند به طور موقت یا قراردادی؛ مانند پزشکان زندان‌ها؛ ثانیاً، شکنجه‌گر بزه شکنجه را به مناسبت شغل دولتی یا منصب رسمی مرتکب شده باشد (شفیعی نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

۴. شخصیت مجنی علیه؛ درباره اینکه آیا برای تحقق این بزه به موجب ماده یک کنوانسیون منع شکنجه، شخص شکنجه دیده حتماً باید به عنوان متهم دستگیر شده و تحت بازجویی قرار گرفته باشد تردید است؛ اما با توجه به عبارت «...برای اینکه متهمی...» در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد مجنی علیه جرم شکنجه می‌بایست متهم باشد.

۳-۳- رکن معنوی

عمدی بودن به عنوان یکی از عناصر جرم باید موجود باشد تا جرم محقق گردد و آن ناظر به این است که مرتکب با علم و اطلاع برای انجام عمل برخلاف وظیفه قانونی خود اقدام نماید. به همین جهت رکن معنوی جرم شکنجه را سوءنیت مرتکب تشکیل می‌دهد و بدین ترتیب امکان تحقق این جرم به صورت غیرعمدی منتفی است؛ به عبارت دیگر صرف انجام دادن فعلی به قصد آزردن مجنی علیه کافی نیست بلکه شکنجه‌گر باید از این فعل قصد خاصی را اراده کند مثل کسب اطلاع یا اخذ اقرار (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۵).

با توجه به تعریف شکنجه در اسناد داخلی و بین‌المللی و همچنین ارکان آن که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت،

می‌توان گفت که شکنجه شامل آن دسته از مجازات‌هایی که بدون انگیزه اخذ اقرار یا کسب اطلاع و به منظور تأدیب صورت می‌گیرد نمی‌گردد، کما اینکه در قسمت اخیر ماده یک کنوانسیون منع شکنجه نیز به این مسئله تصریح شده است. البته تفسیر برخی از کشورها نظیر لوکزامبورگ و هلند از مجازات‌های قانونی، مجازات‌هایی است که نه تنها از نظر حقوق بین‌الملل نیز مشروع شناخته شود. آن طور که از اسناد حقوق بشر و تصمیم‌ها و اعلامیه‌ها در این زمینه برمی‌آید جامعه بین‌المللی در وضع قاعده حذف مجازات بدنی بسیار مصر است (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۷).

اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۴- اصول جرم انگاری شکنجه

در مکاتب و نظام‌های حقوقی مختلف، شکنجه و تعذیب به جهت مخالفت با برخی از اصول مسلم و بدیهی مثل کرامت ذاتی انسان، حق حیات، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب جرم و مجازات و ... مورد جرم انگاری واقع شده است. اما باید به این نکته توجه داشت که نمی‌توان

با استناد به این اصول، مجازات‌های قانونی را که به منظور پیشگیری از وقوع جرم و حفظ کرامت انسان‌هایی که به آنها ظلم شده است، اعمال می‌شود محکوم کرده و ایادی این امر را به نقض حقوق بشر متهم نمود. برای نمونه دو اصل از اصول فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اصل اول: کرامت ذاتی انسان

نظام‌های حقوقی مختلف در جهان به کرامت ذاتی انسان باور دارند و آن را پایه حقوق اساسی بشر می‌دانند و هر رفتار و عملی را که منجر به نقض کرامت انسانی شود، جرم می‌شمارند و مرتکب آن را مستحق مجازات می‌دانند (شفیعی نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۹). شکنجه نیز به همین جهت در عرصه بین‌المللی ممنوع و مورد جرم‌انگاری واقع شده است. مجازات‌های قانونی اگرچه رفتاری است که موجب نقض کرامت انسانی می‌شود؛ اما با توجه به فلسفه مجازات در اسلام و در سایر نظام‌های حقوقی، کسی که مرتکب جرم می‌شود و به حقوق سایر انسان‌ها تعدی می‌کند، کرامت انسانی خود را زیر پا گذاشته و گاهی اوقات تا مرز حیوانیت افول می‌کند. لذا لازم است که جامعه در مقابل چنین افرادی عکس‌العمل مناسب نشان دهد. از این روست که از بدو پیدایش جوامع، نظام کیفری یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه‌ای بوده است (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۲). دین اسلام هم چون از شمول و جامعیت برخوردار است نمی‌تواند فاقد یک نظام کیفری کارآمد باشد، چه آنکه اداره اجتماع، حفظ نظم، برقراری امنیت و اقامه قسط و عدل وابسته به وضع مقررات و تأدیب و تنبیه متخلفان است. کما اینکه پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در یکی از سخنان بلند خویش، بی‌توجهی به اقامه حدود الهی و عدم رعایت تساوی همگان در برابر قانون



بعید است که به لحاظ ایدئولوژیک نیز تناقض یا تعارضی بین فصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق ملت با مبانی این حقوق در متون اسلامی پیدا شود. شاید به عنوان نمونه مراجعه به نامه‌های (۱۴) و (۴۷) خطبه (۲۰۶) و حکمت و سخن قصار شماره (۱۱)، از نهج البلاغه، نیل به مقصود را تأمین نماید؛ اما مشکلاتی وجود دارد که مانع از الحاق ایران به کنوانسیون منع شکنجه می‌شود و یکی از این مشکلات، برداشت‌های بعضاً اشتباهی است که از مفاد کنوانسیون و سایر اسناد بین‌المللی می‌شود. به عنوان مثال اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه، آزار و مجازات و یا رفتار غیرانسانی که از قطع‌نامه ۳۴۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد اقتباس شده است که پس از تعریف شکنجه در بند ۱ ماده ۱ در بند ۲ همین ماده می‌افزاید: شکنجه کردن شکل ظالمانه رفتار غیرانسانی و تنبیه را تشکیل می‌دهد.

این موضع ناشی از حیثیت و کرامتی است که این اعلامیه برای انسان به رسمیت شناخته است. (ماده ۱ اعلامیه) گرچه در ماده ۵ منظور از رفتار ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری مشخص نشده و این عبارت تاب تفسیر و برداشت‌های مختلفی را دارد؛ اما مسلماً حفظ شأن و احترام انسان منظور اصلی واضعین آن بوده است و هر اقدام و یا عملی که مخالف و مغایر این منظور باشد به طور کلی مشمول این ممنوعیت می‌شود.

از طرفی همان‌گونه که از تعریف شکنجه در ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه برمی‌آید، شکنجه و سایر اعمال ممنوعه منظور، هم شامل اعمالی است که قبل از صدور حکم برای اخذ اقرار از متهم به

از جنبه کلی مسئله مهم در تعهدات بین‌المللی هر دولت در یک زمینه یا حوزه حقوقی خاص، اقدامات تعدیل و اصلاح نظام حقوقی داخلی آن دولت از طریق قوه قانون‌گذاری به منظور تطبیق نظام یا قوانین حقوق داخلی خود با جنبه مورد نظر تعهدات بین‌المللی می‌باشد. در واقع چنین اقداماتی که از دیدگاه حقوقی «روند ادغام یا تبدیل» نامیده می‌شود، هدف سازگاری یا تطبیق دو نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی را دنبال می‌کند تا دولت‌ها بتوانند در عین حال هم به تعهدات بین‌المللی خود وفادار بمانند و هم از نظر اجرای سیستم حقوق داخلی دچار اختلال یا تنش نگردند.

از این زاویه بدیهی است که موضوع الحاق دولت ایران به کنوانسیون مورد بحث نه به لحاظ صوری و نه به لحاظ ماهوی با مشکلی مواجه نیست؛ زیرا نه تنها اصل (۳۸) قانون اساسی در مورد منع شکنجه و سایر شیوه‌های مذموم گرفتن اقرار یا کسب اطلاع است و مطابق با شیوه‌های بین‌المللی از جمله مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حتی مطابق با مفاد قانون اساسی کشورهای نظیر فرانسه و بلژیک در این زمینه است؛ بلکه اکثر مواد فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «حقوق ملت» در به کارگیری عبارات و استفاده از اصطلاحات نیز در تطابق کامل با بسیاری از مفاد اسناد و منابع بین‌المللی مذکور است که برخی از آنها را دولت ایران مورد تصویب قرار داده و به طور رسمی به آنها ملحق شده است؛ دو میثاق بین‌المللی مورد اشاره از این جمله‌اند.

را سبب هلاکت و نابودی برخی از جوامع دانسته است.^(۳)

اصل دوم: حق حیات

حق حیات در مکتب اسلام و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمره حقوق اساسی است. در شریعت اسلامی کشتن بدون سبب از گناهان بزرگ است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس انسانی را نه به خاطر قصاص و یا فساد بر روی زمین بکشد مثل این است که همه مردم را کشته است».^(۴)

برابر بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است و هیچ فردی نمی‌تواند خودسرانه کسی را از زندگی محروم نماید (شفیعی نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۹). شکنجه نیز از باب اینکه با حق حیات انسان‌ها در تقابل است، به موجب کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترضیلی مصوب ۱۹۸۴ ممنوع شده است؛ اما پیش‌بینی و تحمیل برخی از مجازات‌ها از قبیل اعدام، حبس، شلاق و ... بر کسانی که حق حیات را از دیگران سلب می‌کنند، نباید با شکنجه و امثال آن مقایسه گردد.

۵- عدم الحاق دولت ایران به کنوانسیون منع شکنجه

دولت ایران بنا به دلایلی به کنوانسیون منع شکنجه ملحق نشد که این دلایل را می‌توان به شکلی و ماهوی تقسیم نمود.

۵-۱- ایراد ماهوی

اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».



۵-۲- ایراد شکلی

ششم مرداد ۱۳۸۲، مهدی کروبی رئیس مجلس ششم در نامه‌ای به شورای نگهبان، طرح الحاق جمهوری اسلامی به این کنوانسیون را که در تاریخ ۱/۵/۱۳۸۲ عیناً تصویب شده بود، ارسال کرد. سه هفته بعد، در تاریخ ۲۱/۵/۱۳۸۲، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان نظر این شورا را این گونه اعلام کرد: «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در قالب طرح ارائه شده در موارد متعدد از جمله بند (۱) ماده (۲)، بند (۱) ماده (۱۰)، ماده (۱۱)، بند (۷) ماده (۱۷)، بند (۵) ماده (۱۸) و ماده (۳۰) باعث افزایش هزینه عمومی است که طریق جبران آن مشخص نشده است، لذا از این جهت مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد».

اصل ۷۵ قانون اساسی می‌گوید: «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد».

حالا مواردی که از نظر شورای نگهبان، باعث افزایش هزینه عمومی می‌شد و طریق جبران آن نیز مشخص نبود، دقیقاً چیست؟

بند ۱ ماده ۲: هر دولت عضو این کنوانسیون، موظف است اقدامات لازم و مؤثر قانونی، اجرایی، قضایی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومت خود به عمل آورد.

مجازات انسان برخلاف ارزش و کرامت اوست و هیچ مجازاتی به جهت تکریم و تقدیر از مجرم وضع نمی‌شود؛ اما اینکه کدام مجازات بی‌رحمانه است و کدام یک مشفقانه بحث دشواری است. ممکن است در یک مورد مشخص محکوم کردن شخصی به پرداخت یکصد هزار تومان به عنوان جزای نقدی بی‌رحمانه و نیز ممکن است در جایی دیگر محکوم نمودن شخصی به پرداخت ده هزار ریال موهن باشد، گرچه ممکن است همین مجازات بی‌رحمانه نباشد (اسدیان، ۱۳۸۷: ۳).

بنابراین عبارات و اصطلاحات به کار رفته در مواد این کنوانسیون توان تحمل هر نوع تفسیری از جمله تفاسیر سیاسی و مغرضانه را دارد از جمله اینکه مجازات‌های قانونی را نیز مشمول کنوانسیون می‌داند و لذا الحاق به این کنوانسیون مشکلات بسیاری را برای ما به دنبال خواهد داشت؛ زیرا مفهوم عباراتی همچون موهن، بی‌رحمانه و ظالمانه به روشنی مشخص نیست و در صورت پذیرش کنوانسیون باید تابع برداشت‌های مصطلح و معمول بین‌المللی از عناوین و عبارات یاد شده بود و سابقه نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی به ویژه کشورهایی که از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان اهرم سیاسی استفاده می‌کنند، بسیاری از مجازات‌های شرعی و قانونی ما را از قبیل اعدام، قصاص، قطع عضو و شلاق را مجازات‌های خشن، بی‌رحمانه و غیرانسانی و موهن می‌دانند و بارها از ایران خواسته‌اند که این مجازات‌ها را لغو کنند. این در حالی است که بعضی از مجازات‌ها به وسیله شرع مقدس وضع شده‌اند و ظاهراً قابل تغییر و تبدیل نیستند و قانون‌گذار نیز نمی‌تواند به جای آنها مجازات دیگری تعیین کند (اسدیان، ۱۳۸۷: ۴).

کار گرفته می‌شود و هم اعمالی که بعد از صدور حکم به عنوان مجازات اعمال می‌گردد. اگرچه ذیل ماده گفته است این تعریف شامل درد یا صدمه‌ای نیست که صرفاً ناشی از درد یا صدمه ذاتی ضمانت اجراهای قانونی یا منتج از آنها می‌باشد؛ زیرا در ماده ۱۶ این کنوانسیون به طور صریح آمده است: هر یک از دولت‌های عضو متعهد خواهد بود که در هر یک از نقاط تحت صلاحیتش از دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهنی که طبق تعریف ارائه شده در ماده یک منجر به شکنجه نمی‌شود در صورتی که چنین اعمالی تحت نظارت یا با رضایت یا سکوت یک مأمور عمومی یا دیگر اشخاصی که در ظرفیت رسمی عمل می‌کنند به وقوع پیوسته باشند نیز جلوگیری نمایند.

ملاحظه می‌شود در این ماده به طور صریح از مجازات نام برده و مشخص است که منظور از مجازات، تأدیب یا عقوبتی است که به موجب قانون وضع می‌شود و به موجب حکم محکمه صالحه به اجرا گذاشته می‌شود و با شکنجه برای اخذ اقرار یا شهادت و غیره تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا شکنجه‌ای که برای اخذ اقرار به کار می‌رود قبل از صدور حکم محکومیت متهم صورت می‌گردد؛ اما مجازات بعد از حکم است و همچنین شکنجه به موجب قانون نیست بلکه حتی قانون آن را منع کرده؛ اما مجازات قانونی است و به موجب قانون اعمال می‌شود. از طرفی منظور از بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن نیز مشخص نیست و معلوم نیست چه مجازات‌هایی غیرانسانی یا بی‌رحمانه هستند یا چه مجازات‌هایی موهن می‌باشند. آنچه یقینی و مسلم است آن است که هیچ مجازاتی در راستای تکریم و بزرگداشت انسان وضع نمی‌شود و کلاً



بند ۱ ماده ۱۰: هر دولت عضو، با توجه به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، پلیس و نظامی، کارکنان خدمات صحتی، کارمندان و دیگر افرادی که به نحوی در بازداشت، بازجویی و بازرسی افراد دخالت دارند و نیز هر رفتاری که موجب دستگیری، بازداشت و زندانی افراد می‌شود، آموزش‌ها و اطلاعات لازم را به آنها بدهند و مطمئن شوند که آنها از این آموزش‌ها و اطلاعات برخوردار خواهند شد.

ماده ۱۱: هر دولت عضو، موظف است به طور مرتب و منظم قواعد و روش‌های مربوط به بازجویی (بازپرسی) و ترتیبات راجع به نگهداری افراد را (در بازداشتگاه‌ها) انجام دهد. این بازنگری و مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر قلمرویی که حوزه قضایی آن دولت است، با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه می‌باشد.

بند ۷ ماده ۱۷: دولت‌های عضو، مسئولیت هزینه‌های اعضای کمیته بین‌المللی ضد شکنجه را در هنگام انجام وظیفه متقبل خواهند شد.

بند ۵ ماده ۱۸: دولت‌های عضو مسئولیت (پرداخت) هزینه‌هایی که در ارتباط با گردهمایی‌های دولت‌های عضو کمیته و هزینه‌هایی که به وسیله سازمان ملل در این مورد پرداخت می‌شود، مانند هزینه کارمندان و تهیه امکانات ... را به عهده خواهند داشت.

برآمد

با عنایت به این نکته که جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعمال مجازات بدنی به صورت قانونی و عملی تحت فشار بین‌المللی قرار دارد، الحاق به کنوانسیون به تعداد پرونده‌هایی که ایران در آنها به دلیل نقض حقوق بشر محکوم می‌شود، می‌افزاید و در سطحی بالاتر می‌تواند به پیگرد قانونی برخی مقامات نیز منجر شود.

مجازات بدنی به صورت قانونی به معنای وجود قوانینی است که در آنها شلاق زدن یا قطع عضوی از بدن به عنوان مجازات مجرم مطرح می‌شود. این گونه قوانین در چند کشور از جمله ایران، عربستان، سومالی، پاکستان و افغانستان اجرا می‌شود.

در قطعنامه ۳۸/۱۹۹۷ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجازات بدنی در ردیف شکنجه قلمداد شده است و از میان کشورهای یادشده فقط ایران به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته است.

البته دولت ایران علاوه بر اینکه در قانون اساسی و در قوانین جزایی خود شکنجه را ممنوع دانسته و برای عاملین آن مجازات تعیین کرده است در بسیاری از کنوانسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی ضد شکنجه عضویت دارد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید در مورخه ۱۳۶۳/۱۱/۴ (بند دو قسمت «الف» ماده یک).
۲. کنوانسیون حقوق کودک در مورخه ۱۳۷۲/۱۲/۱ (ماده ۳۷).

پی‌نوشت‌ها

- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹
- ۵- رنجبریان، امیرحسین، «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴
- ۶- شمس ناتری، محمدابراهیم، «جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی»، حقوق خصوصی، شماره ۹، ۱۳۸۴
- ۷- شفیعی نیا، محمد، مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه در سه نظام حقوقی (اسلام، ایران و بین‌الملل بشر)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۸- صادقی، محمدهادی، «ممنوعیت شکنجه در اسلام»، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، ۱۳۸۰
- ۹- قربان نیا، ناصر، «فلسفه مجازات در فقه کیفری اسلام»، قضاوت، شماره ۵۲، ۱۳۸۷
- ۱۰- نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترحیبی (۱۹۸۴)»، مجله حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹
- 1- The European convention on the protection of human rights and fundamental freedoms (1950)
- 2- The Inter-American convention for prevention and punishment of torture (1985)
- ۳- إِنْما أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرْكُوهُ وَ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ (نهج الفصاحه، ص ۳۴۵).
- ۴- مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (سوره مائده، ۳۲).

فهرست منابع

- ۱- اسدیان، ترجم، «موانع پیوستن ایران به کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرکننده»، قضاوت، شماره ۵۰، ۱۳۸۷
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، «شکنجه»، تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چ اول، ۱۳۷۸